

موند و موقن و مشتغل و منجذب و در محافل، ناطق و مجمل و علیها بیا، آله ابلا عبد البهاء عباس
طهران جناب میرزا حاجی آقا علیه بیا، آله الابهی

هو الله

۱۴۴

ای بنده الهی نامه شارسید و از قرائت اطلاع بر مضمون حاصل گردید محافل بسیار مقبول
ولی باید جمیع مجالس محافل تبلیغ باشد این تأیید دارد این سبب اعتلاء کلمه الله است و این
سبب عزت امراته محفل که توار است لی چون محفل ذکر التبت و تلاوت آیات و مناجات
و امید است که نفوس تبلیغ گردد لهذا این محفل محفل سرور و جوهر است بجناب آقا میرزا حاجی
و جناب آقا میرزا اعلی خان تحت ابدع ابی برسان نامه ایشان نرسید ولی من جواب مختصر دهم
نامه میکارم زیرا علیم ابداد انما این تجویز تحریر کلمه نماید زیرا این سفری پایان بنیان بدست منزل
نموده الآن بقوه تأیید ملکوت ابی تحریر میشود بقوه عالم امکان بامنه الله حدیقه خانم تحت ابدع ابی
برسان و علیک البهاء الابهی عبد البهاء عباس

هو الله

حضرت میرزا نبی خان و جناب آقا میرزا اعلی خان ای دیار مهربان جمیع بنده آن درگاهیم لهذا
پیوسته ایم دل بسته ایم لهذا ارتباط جمیع جبات محکم گوشتی با انگدل و جان دهید سرور گردید
و نه گردید موافقت موافق یابید عبد البهاء عباس

۲۷ ربیع ابواسطه جناب آقا میرزا علی اکبر میلانی جناب آقا میرزا علیخان علیه بآء الله الاهی

هو الله

۱۴۵

ایدوست حقیقی عبدالبهاء بهمت و خدمت و حسن سلوک و استقامت و حسن بیاست
ثابت و محقق و فرمودی که دوست حقیقی عبدالبهائی و در عبودیت آستان مقدس سیم و شریک
و در نهایت ثبوت و رسوخ جاه و منصب را محض خدمت آستان احدیت خواهی و غرت و ریاست
را بجهت قیام عبودیت و حفظ و حیانت خلق جوئی شخص خیر خواه بهائی باید چنین باشد و قبل از
درگاه ربانی را روش و سلوک موافقت بنور مبین لازمست احمد ته توان مؤید و متوفی لهذا
امید چنانست که در ملکوت ابی روشن نمائی و در جنت ابی گل گلشن شوی و شاهد انجمن گردی
و سبب راحت و آسایش دولت و ملت شوی و علیک البهاء الاهی
طه ان جناب میرزا حاجی آقا علیه بآء الله الاهی

۱۴۶

هو الله

ای یار قدیم نامه که جناب آقا سید اسد الله مرقوم نموده بودید ملاحظه گردید تا حاصل معلوم بود و دست
اینده چنانست که از شخص محترم معاونت در حق میرزا احمد علیخان معلوم حاصل گردید جمیع این فساد را
از سید البهاء بود و او ریشه فساد و فتنه بود که شب و روز آرام نداشت و میکوشید تا بهر راهی یار

نماید و هر مانوس را می یوس کند باری شمامتد و اربا بشد ایام سختی ایشان البته غنی گردد و حلیک البهائم

الابی عبد البهاء عباس ^{مبارک}

بواسطه حضرت حیدر قبل علی مناجات طلب مغفرت بجهت ورقه متصاعده حرم جناب میرزا

حاجی قاضی علیه و علیها البهاء الابهی

هو الله

۱۴۷

رب کاک محمد با شریق نیر الاحسان من اتق العفو والعفوان واخساء وازال ظلام الذنوب
والعصیان و تنوع بحور غنائیک علی العباد والاماء و لاج نسیم الطافک علی اهل البهاء رب ان تنیک
الصداقه قد ترکت الثیاب الریث و تهممت بتبصیر الصعود الی ملکوتک العظیم رب اخلع غمنا
اخطاء و البسار داء الفضل و العطاء و اجعل لهما مقعد صدق حلیا رب انما انت بک
وبائاک و تکنت من دلائلک و بیناک و سلکت فی سبیل هدایاک و وفدت علی باب عنک
فاغرقنا فی بحور غفوک و غفر اک و خلل علیک شجرة رحمتک و جر عمار من اقداح ربوبک
و نور وجهها بنور فضلک حتی تهتل و جهب فی بحوره الجنان و تهتل لنا
بالثناء علیک فی جنة الرضوان اک انت الکریم اک انت الرحمن الرحیم

عبد البهاء عباس ^{مبارک}

لہران بواسطہ جناب میرزا حاجی آقا علیہ بہاء اللہ الہی امہ اللہ حرم میرزا بنی خان امہ اللہ حرم
 حاجی سلیمان کلیمی مرحوم امہ اللہ عطیہ خانم امہ اللہ حرم احمد علیخان امہ اللہ روحیہ خانم امہ اللہ
 قدسیہ خانم علیین بہاء اللہ الہی

ہو اللہ

۱۴۸

ایورقات پنجہ بات جناب میرزا حاجی آقا خواہش نگارش نامہ نمود کہ این ورقات مرئوسات
 انجمن آما، رحمٰن را رینتند و شمعهای فروخته بار محبت لہذا سراوار خط بند و شایستہ صدور کنند
 باری من چون اسمای آن آما، رحمٰن را متابع خواندم شکست خوردم فوراً بتخیر این نامہ پرداختم تہت
 دل و جان آنان حصول یابد و سبب سرور گردد ولی از سعود امہ اللہ سلطنت محروم و غلب
 عفو و غفران مینمایم کہ ای مہربان پروردگار این ورقہ منجذبہ را در ملکوت خویش بزرگواری نما
 و در دریای غفران غرق فرما و در زمرہ کثیران نامہ در محشور کن و از سلطنت ابدیہ نصیب بخش زیرا
 در ایام حیات بخدمات مألوف بود و برخاست مشغول فی تحقیقہ حق خدمت عظیمہ دارد پس
 مورد عنایت جلیلہ فرما توی بخشیدہ و آمرزیدہ و مسروران و علیکن البہاء

الاسبغ . عبد الجبار .

عباس

۱۲۶۳
بواسطہ جناب سبب پیش

شیراز جناب استاد علامہ رضای ارسنجانی علیہ بہاء اللہ الہی

ہوائے

۱۴۹

ای مؤمن محتج احمد تہ کہ آہنگ ملا، اعلیٰ کبوش ہوش رسید بیدار شدی شنو اگر دیدی پنا
شدی از این مصائب و بلا یا کہ در سبیل جمال ہی بآن گرفتار شدی دلیل بر تقرب در گاہ کبریاست
چنانچہ شاعر اگر گفتہ است ہر کہ در این بزم مقرب تر است جام بلا بیشترش میداند
لکھن کن خدا، کہ زہر را مانند شد نوشتیدی طوبی لک من هذا الفضل العظیم ہر وقت ممکن شد کہ برآ
و راحت غرم کعبہ مقصود نال مازونی و علیک البہاء، الہی عبد البہاء عتاس

خط کات امضا مبارک

جو الہی ہے

جناب آقا علامہ رضای ارسنجانی علیہ بہاء اللہ الہی ہے

ہوائے

۱۵۰

یا رب السموات العلی ان جسدک المبتنی فی سبیلک علامہ رضا یطلب الرضا فی القباح و لہا
ولا یسترفی ذکر الاجاب، عشیاً و اشراقاً رب ثبت قدمیہ علی امرک و استقمہ علی حبک و اجعل لہ
مقصد صدق علیا و علیہ البہاء، الہی عبد البہاء عتاس

خط مبارک

بواسطہ

بواسطه جناب زائر غلامرضا ارسنجانی جناب افغان حضرت غنایب آقا میرزا اقبال خان
 میرزا مصطفی خان فتعلی خان شمس آبادی محسن خان شهریار و فادار جناب پیش آقا
 محمد حسن بلور فروش آقا سید محمد صادق آقا اسماعیل آقا میرزا محمد رضا آقا محمد جناب
 میرزا ابوالقاسم ساعت ساز جناب میرزا ابوالحسن نیریزی جناب نورالله سعدی جناب
 آقا میرزا رحیم جناب میرزا محمود عطار استاد علی کلاه مال جناب محمد رضا خان بواناتی خا
 میرزا عباس بواناتی اجای فاروق و شمس آباد و مرودشت و سروستان و شیراز حلیم
 بهاء الله الاسبی

۱۵۱

هوانه

خط کتابت جناب میرزا

یاران مهربان جناب آقا غلامرضا وارد و بر حلقه منزلت و سمو منقبت دوستان شاد
 و اسد عای بخارش این نیمه بنماید گفتم که از قلم میاق خطاب به آن اهل وفاق مکرر صادر و ال غیر
 قانع که من در سبیل الکی چوب زیاد میل فرموده ام و مورد تو هین و تحقیر گشته ام و بلای شدید
 دیدم که این نامه درمان درد من است و شیر و شد من است و شغف و سرور من است
 و مرهم جرح و فور من من نیز بکمال فرح و شادمانی بخیر این نامه بهرانی پرداختم که الحمد لله
 انبانی نارس نارس میانه و پیر روح و بیجان در امر جمال قدیم ثابت و مستقیم و در وجه

و طرب مقیم و مستقیم اعلاء کلمه تفرید خواهند نشر آیات توحید جویند لهذا احساس بهر از
 جدید از شیراز میشود و امید آنست که از آن کشور مبارک شمار کلمه الله بافاق رسد زیر آفتاب
 شجره مبارکه است ای یاران مهربان جمیع باطلهای وسیع مخترب منطوی گردد و باطل
 شیطان با تمام و انوار و تبایل شود مگر بساط الهی و انبساط رحانی لهذا هر چیز موقت ابدی اهمیت ندارد
 و لودر نهایت جمال جلوه نماید بلکه فیض ابدی و فوز سرمدی اهمیت دارد پس بکوشید تا آفرینش را
 آرایش گردید و جهان را سبب آسایش اینست موهبت کبری اینست رحمت عظمی اینست
 الطاف بیمنتها ربنا ان هو لا اله الا انت من احسن الاصفیا و احب النقباء انجبا قد اقبلوا الی الاقن
 الابی و قاموا علی محمد و آله و ائمه ببقوة تحیرت منه اولی النبی باسطین اکف الضمائم و الا بهتال ^{تبعین}
 و منکسرین الی العتبة العلیاء و متوقدین بنار محبتک بین الوری رب اجعلهم آیاتک الکبری و آیات
 الشجرة فی الذروة العلیاء و جنوداً مجتدة لحسن الميثاق و جيشاً عمرماً لمعتل العمد و الوفاء و یروون
 اهل التفاق بسنام الاستقامة الکبری الکبری و یردون اهل الشقاق بسباط
 اثبوت و الرسوخ علی الملأ انک انت المقدر

المؤید الموفق الفریز الکزیم ۱۰ ربیع الاول ۱۳۲۸

میفا عبد الباء عبا تس
 مبارک

ص جناب ماٹم نجاتی صرمر حوم متعاہد بناگوت ابی آقا شیخ سلمان علیہ بآء آتہ الاسبے

۱۵۳ هوالتہ

ای شاعر فصیح و بلیغ قصیدہ ملاحظہ کرید فی تحقیقہ اگر خواہی مذاق عبدالبہاء شیرین کرد و دور
فرج خلد برین یا بہ قصیدہ انشانا و منلوہ بتلم آو کہ سراپا عبودیت و محویت و تذلل و انسا
و نابودی و نیستی و خاکساری و فقای عبدالبہاء باستان بہا باشد و الا قسم بچال قدہ مر و
لتراب اقدام اجبائہ القداہج مدح و ثنائی در کام شیرین نیست و مخالف عقائد دینیہ این
عبد است بلکہ محزون میثوم باری برودی غری باین مضمون انشانا و بفرست تا جانم شادمان
گرد و در و رحم با ہتر از آید ع ع ع
ملاحظہ

ہوالاتہی

جناب میرزا ماٹم علیہ بجا آتہ الاسبی ملاحظہ نمایند

۱۵۴ هوالاتہی

ای متوجہ بمنظر اکبر آنچه مرقوم نموده بودی قرأت شد در انجمن ایران الکی ذکر ت مذکور
و احوال و اشتیاق مشہور گشت از لطف عظیم محبوب کریم منتظریم کہ با شراق انوار

شمس غنایت رویت روشن گردد و دل و جانت چون گلزار و چین شود در ظل کلمه جامع خود
 که از آثار قدرت ربانیه است بمرادی؛ اصل شوی و در تمکاب بشریة الله القاهره بهر مقصد
 نائل کردی عون الکی مؤید اجبای رحمانیت و فیض غیر قنایابی ناصر اریان حقیقی و البهائم
 علیک ع ع
 متعبد
 هو الله

جناب میرزا امام شمس لنگرانی علیه بهاء الله الهی

هو الله

۱۵۴

ای بنده الکی جناب شیخ رحمانی با کمال ناتوانی مسافات بعیده را قطع نموده و کمال
 و مشقات سفر را تحمل کرده تا آنکه بشاطی ساحل ارض مقدسه وارد گشت و بر آب آستان
 روضه مقدسه بقعه مبارکه مشامرا مطهر نمود و چون این عجد بر عبودیت درگاه احدیت
 قیام کرد حال متوکل علی الله مراجعت بنماید قدر این پیر مرد را بدانید و چون پروانه دور
 او بگردید فی الحقیقه زحمت کشیده است قصیده مرسوله ملاحظه گردید بلیغ و فصیح بود
 ولی اگر کام مرا شیرین خواهی و مذاقم را شیرین قصیده در عبودیت این عجد و فقر و فاقه
 بخت این رفیق باستان مقدس انشا کن تا روح متزکّر گردد و جانم روح و روح و روح
 یاد

یابد دیده روشن گردد و سخن نادر گلشن نسیم جان بخش بوز و نغمه روح پرور نشر شود
 قسم بآن روی و خوی جمال قدم که هیچ و منی جز عبد البهاء نخواهم و هیچ نفی جز رفیق البهاء نجویم
 خاک آستانم و ادلی پاسبان باین منتخرو تمناهای پس اید و ست
 زبان و بعبودیت محض ابن عبد درگاه جمال بی یک قصیده ساز و با هنگ چناب
 و دف ملکوت ابی بنواز ع ر ع - منار شد

بواسطه جناب آقا میرزا عیادت الله علیه بهاء الله الاهی اصفهان جناب میراثم
 صهر یک رحمانی آقا شیخ سلمان علیه بهاء الله الاهی

۱۵۵

هواله

ای بنده حق نامه شمار سید و از صعود حضرت اخوان صفایات تا اثر حاصل گردید
 زیرا آن روح مجرد ایام خویش را وقف نشر نفعات الله نمود و می آرام نگرفت نفسی حجت
 نیافت خدمات فائده از او صدور یافت لذا ذکر مفصل از ایشان شد و زیارتی
 مکمل از برای سلطان الشهداء و محبوب الشهداء و جناب وزیر و حضرت اخوان صفای قوم
 گردید و ارسال نزد خوانین شد ترجمه حال ایشان که بقلم خود در روزنامه خودشان نگاشته اند
 ارسال دارید از الطاف الکی امیدوارم که والد ماجد و والد محترمه شمارا بزرگو و غفران

خط کاتب انصاری

فرایده بجناب حاجی عبد الغفار تحت برسانید و بگوئید عبد البهاء فرصت تخریر یک سطر دارد
 باوجود این چگونه تفسیر آیات پردازد مختصر نیست که مدلول آیه مبارکه اینست که نارجمیم
 بشره را یعنی روی را اگر گون نماید تر و تازگی نیکدارد سوخته و بدرنگ نماید یعنی نیران اعراض
 و انکار روی انسان را میسوزاند و تعرف المجرمون بسیار هم میگردد لطافت و بشارت و
 نظارت و نور ایمان نیکدارد چنانچه در آیه دیگر میفرماید و وجه علیها غبره برمهها قره میفرماید
 در یوم قیامت بر بعضی وجه غبار می نشیند و موکلین این نار که نفوس مستحقه را
 در آتش اندازد در یوم قیامت کبری ۱۹ نفرند و آن ۱۹ نفر ملائکه عذابند و عده این نوزده
 ملائکه عذاب نظیر عده ملائکه رحمتند و خازن جنت رضوان که حروف جنت بجناب حاجی
 میرزا حسین و ملا رمضان نهایت محبت و مهربانی از قبل من ابلاغ دارد و اما تاریخ حضرت
 پیک رحمانی حالات او را در اصفهان و در شیراز تحقیق بنا که چه روشی و سلوکی داشت و از
 کجا بود و در چه زمان مؤمن و موقن گشت و در چه سال پاک رحالی شد و مدت حیات چگونه قاصد
 امین بود این تفصیل را تحقیق بنا بعد بنویس اما خیلی دقت کن که حشو و زوائد نداشته باشد
 از الطاف الهی میجویم که بازماندگان حضرت شیخ را مورد الطاف بی پایان نماید و اما اعضای
 محفل روحانی باید با انتخاب تعیین شود اجاب هر کسی را که موافق می بینند انتخاب نمایند خواه

پیر خواه جوان خواه توانگر و خواه بیرو سامان و اسلام و علیکم البهاء الابی عبد البهاء

عباس ۲ آب ۱۹۱۹

بسم الله الرحمن الرحیم

ای صهر حضرت پیک ابد افروخت یک کلمه تحریر ندارم با وجود این نامه مفصل مرقوم و فاء عبد البهاء عباس
بواسطه فضل روحانی اصفهان جناب میرزا ماشوم علیه بقاء الله

قریه چادگان فریدن جناب سینقلی خان سرمنگ جناب بهادلیخان با اولاد امجاد الله
قلینان و محمدقلینان جناب ارباب بهمن فارسی قریه پوده سمیرم جناب میرعلی محمدخان
قریه طالنجی جناب میرزا عبد الکریم جناب احمد آقای معلم جناب میرزا ابراهیم خان قریه
سازگان فریدن جناب لهراسب خان قریه خوش رجناب مظفرخان قریه چال
چهارمحل جناب حیدرقلی خان کلپایگان جناب مصطفی خان قریه قمشه دالی غلامرضا
آقایدانه آقا حسین محمدعلی استاد ابراهیم درویش خداداد قریه اسفرجان کربلای ماشوم
درویش عوض قریه هوسنجان غلامحسن الله الله فاطمه جناب طاهر الله الله
روحانیه قریه قشتالی جناب سروعلی جناب نوروزعلی قریه قیون سمیرم جناب باب
رضاقلی جناب میرزا اسحق جناب عباسقلی سلطان قریه شریف آبادلجان سید نورالدین
سید جلال سب علی کربلای مرتضی سید مصطفی سید عبد الحمید کربلای خلیل سید ابوالانعم

قریه آه نو سمیرم سلطان باقر کر بلای حسین حاجی آقا نایب عبدالله قریه ریز درویشان
 در ویش نوران محمد جواد محمد رحیم قریه سده لنجان آقا سید غفور آقا سید مصطفی
 سید جواد استاد عباسعلی کر بلای کریم مهدیقلی جناب آقا سید عبدالغنی برات علی کر بلای
 عبدالوهاب آقا سید عبدالباقی قریه چال جناب حیدر قلینان قریه جم کردن جناب
 اسدالله که خدا جناب نعمت الله جناب حاجی اسمعیل جناب مهدی علی محمد جناب حیدر
 جناب جلیل آقا قریه کله سفلی مهدی دشم قریه باغ بادران سید محبتی قریه بن جناب
 میرزا باقر حکیم قریه سعید آباد لنجان جناب حاجی میرزا محمود جناب میرزا رضا جناب آقا محمد
 جناب میرزا مرتضی جناب ملا حسنعلی کر چکانی قریه سامان جناب نسیان جناب اسکندر
 قریه چادگان جناب سید مادی جناب میرزا محمد علی منشی جناب محمد امین اجودان جناب
 محمد قلینان علامه رضا مهدی محمد جناب الله قلینان جناب قلینان محمد باقر دم کمری میرزا
 ابوالفتح منشی جناب لهراسب نادر کانی جناب میرزا محمود صدر جناب جلال خان جناب
 استاد باقر بنا علامه رضا فروشانی خانه میرزای نختسباری جناب اسکندر خان ضعیف الدوله
 جناب میرزا جعفر منشی جناب مهدیقلی اردلی مهدی آباد علوی حاجی عباس سلیمان نجف آباد
 علی ولد حسن میرزا نصر الله استاد عبدالحق غایه الله و سایر اجا قریه قلعه سفید جناب
 میرزا امرا الله

میرزا امیر الله جناب شیخ جوادی رزی جناب آقا محمد یزدی قرینہ بروجن چار محل جناب میرزا
مدیخان میرزا محمود خان جناب حاجی میرزا میرزا خلیل منشی خدا کریم میرزا علی اکبر میرزا محمود
جناب محمد حسین جناب آقا محمد حسین ارباب شیر لہنی و جناب انصاریار علیہم السلام

اللا ہے

۱۵۶

ہو اللہ

خدا کا نبی و نبی کا رب

الہی الہی کاک احمد بارفقت رایہ فردا بنک واریت النکل آیتہ رحمانیک و ہدیت
ہولاء النفوس الی الماء المعین و عین التسنیم فی ریاض ربانیک رب کاک الشکر بانور
الابصار و الہمت الاسرار و اسمعت الاذان و القیت کلمۃ الہدی علی قلوب الابرار
فاقبلوا الیک بصد مشروح و قلب مجذوب و روح مستغرق فی سجاد رحمتک و نفوس
مستبشرة بآیات وحدانیک رب ثبت اقدامہ علی ہذا السراط و ثوق قلوبہم باسراء الہام
و ایدہم بجنود لم یروا فی نشر النجات و اصرہم من الامتحان و اخطمہم من الکرات و جعل
لہم سبیلًا قویًا مہودا الی ملکوت السموات انک انت الکریم انک انت العظیم
انک انت الرحمن الرحیم ای باران ہریان عبد البہاء چندی بود چون باد بہ پیابودم و آواز
کود و سیرا و دین جج صبحی آرام نیافتم و بیج شش سر و سامان نبستم محرم ہر محفل شدم و در ہر

مجمعی در آدم و در هر انجمنی فریاد نمودم و بملکوت اسی بشارت دادم تا گوران بجا گردند و گران
 شنوا شوند و لیلان عزیز گردند گران پی بدلیل برند و بنوایان بانوا شوند محرومان محرم راز
 گردند غریبان شرفیان شوند نو میدان امیدوار گردند سه سالست که دقتی آلام ندارم آنچه
 نه نقیض و غایت جمال مبارک افواج تأیید مانند امواج پی در پی رسید وجود ملا اعلیٰ نصرت
 نمود صیت امراتیه جمیع مسامع رسید و ذکر الهی در جمیع مجامع انتشار یافت بدینی و قوه
 معنوی تخی پاک در آن کشت زار افتاد و سبحان رحمت الهی امطار نیسانی مبدول داشت
 و شمس حقیقت ضیاء و حرارت بخشید حال عبدالبهاء در نهایت خاکری جبین بر زمین
 تضرع و زاری نماید که آن کشت الهی بعون و غایت دهقان آسمانی بسرعت انبات گردد
 و آثار باره اش آفاق را احاطه کند سبحان الله اهل باختر با وجود دوری بیدار گشتند و بیایان
 ایران هنوز بخواب غفلت گرفتار آنان فریاد یا بجا، الاهی زدند ایرانیان و بزرگان
 ایشان این المذاذ و این المناس بر آوردند شمس حقیقت از افق ایران طالع شد ولی ایران
 در جستجوی چراغی هستند ابرنیان بر ایران فیضان نمود ولی ایرانیان در پی قطره لدوان
 این چه بلاست است این چه بلاست انالی غرب چون نام شرق برند سجده نمایند ولی
 شرقیان را نهایت آمل که قدمی در راه غریبان ننهند و پیروی آنان نکنند تا ترقی نمایند کس
 مظهر

مظهور گردد ملت مندرسه تازه گی و وجود یابد هیات هیات این در خان کهن پوسید
 دیگر ثمری نبخشد بلکه این نهالان بهمال تر و تازه ایران غنیرب در جویبار حقیقت نشو و نما یابد
 و گل و شکوفه فرمایند و برگ و بار دهند و بر آن طبعه طبعه البتة چهارم مظهر نمایند و شام
 اهل غربرامعبر کنند زیر اسطغان گل در گشمن ایران رخ بر افروخت و رسم تا جگه آری
 در گلزار پارسی اجری فرمود اول بلبلان ایران آشفته آن گل شکفته گشتند و آنگاه ملاط
 بلند نمودند و جانثالی کردند و تبر با نخاد عشق الهی شتافتند از فیض عظیم رب جلیل
 امید چنانست که آن نفوس مبارکه در ارض صاد و حوالی آن چنان حرکتی مردانه و جنبشی فرزانه
 بکمال حکمت در خدمت امر الله نمایند که جمیع آفاق آن کشور منور گردد و بارزانه گان یک
 رحمانی حضرت سلمان معاونت و کمک داری لازم و حلیمکم البهائ، الاهی عبد البهائ، عباس
 متبرک

هو الله

بواسطه مریم سلطان حبیبیه یک رحمانی شیخ سلمان امته الله فاطمه سلطان امته
 حبیبیه سلطان امته الله فاطمه امته الله نور جان کم امته الله عمده امته الله کوه سلطان
 امته الله خدیجه سلطان امته الله بهیه سلطان امته الله مریم کم امته الله ربایه سلطان
 امته الله ام لبانی امته الله عطیه خانم علییه بیات الله الاهی

ای آقا رحمن شکر کنید خدا را که در پنہین عسر میمنت صبری بفرموده و بود قدم نہادید و در بند

وجود پرورش یافتید کہ آفتاب نور قرون و اعصار است الطاف بیایان انوار

فیض عیان نور احدیت نمایان پس تا توانید در محافل ذکر تسبیح و تقدیس حضرت یزدان

زبان و لسان بیارائید و علیکن النجۃ و لثناء ع ع مکرر

اسکندرونہ بواسطہ جناب آقا محمد مدی اصفہان جناب آقا ماثم علیہ بنا و آتہ الا ہی

هوالتہ

ای ثابت بر پیمان نامہ شمار سید و از مضمون فوت مرحوم ضیاء معلوم گردید سبب شفا

واخر ان کشت ولی صرم مرحوم شیخ و امہ آتہ مریم سلطانہ از قبل من تحت محترمانہ

برسان و بگوید این ایام اگر نفسی ثابت و راسخ بر پیمان از اینجانب بجهان دیگر شتاب عظم

موجب التیہ است زیرا امتحان و فستمان بسیار حسن خاتمہ فاتحہ الالطاف است

لہذا شما محزون مباشید بلکہ دل بالطاف الہی بر بندید و از فیوضات نائماہی غصو و غم

بخواید من نیز نہایت تضرع و نبشوع طلب آمرزش از برای ضیائیم مطمئن بغایت

الہی باشید بزرع و قزع کنید انما یوفی الصابرین اجرہم بغير حساب و جناب

آقا محمد تہجد

خطاب بہ برادر محترم

خطاب بہ برادر محترم

آقا محمد جواد و آقا محمد رحیم را از قبل این شاق نسبت ابدی عیسی ابلاغ دارید از سد ماتیکه
در سبیل الی کشیده اند بسیار متاثر شدم ولی ایثار اگر دو مرتبه اخراج کردند ما را چهار مرتبه سگون
کردند کما تنی بحال مبارک نموده اید این مورد شکرانه است که بچنین فیض رحمانی و ثبوت
آسمانی موافق شده اید و علیک الباء الاهی ع ع - مصدق

هو الله

اسفهان بواسطه آقا ماسم نجابی جناب محمد جواد جناب فتح الله جناب صادق جناب
جلال جناب سید ماسم جناب محمد علی ن جناب عطا جناب سید اسد الله جناب
سید زین العابدین جناب علی نقی خان جناب جعفر جناب علی خان جناب سید نقی جناب یحیی
بعدادی جناب علی اکبر خان ف جناب داراب جناب عبدالله ایضا جناب عبدالله خان
جناب مهدی جعفری جناب محمد جواد جناب ابوالقاسم جناب سید محمد جناب سیف
جناب عبدالحسین جناب تنویدار جناب محمد چا پار جناب
یوسف جناب عطنی جناب سید محمد جناب
حاجی حیدرن جناب حاجی کلعلی ن جناب سید الله ن
جناب استاد صدیقی علیهم بقاء الله الاهی

ای ایران آئی هر چند نامه های متعدده در این دست دیده با جایی قدیمه و جدیده نگاشته شد
ولی نامه تازه وارد و اسماء آن سروران کشور محبت الله در آن مذکور از قرائت آن اسما
حالتی دست داد که زمام از دست رفت بی اختیار بگذر ابرار مشغول شدم تا شوق و شغف
این قلب پرتوی بر جهان دل و جان آزادگان زند و شرق و غرب روشن گردد اگر بدانید
که چه شوره شعفی الان باطلای این نامه پرداختم البته از وجد و طرب در قیص جبهه گنجید
ارواح پرواز آید جانها هدم راز گردد و دلها بسرو ابدی دسار شود این نیست
مگر از فضل و احسان حضرت یزدان و علیکم التحية و التهنئة آئی آئی اید هولاء العباد
على رفع راية الميثاق و اعلاء كلمتك في الآفاق و اغفر يا ربی ارحم الراحمین
الذی شرب کاس البأساء و الغراء فی سبیلک و ابتلی باضطهاد المبغضین من أعدائک
و قرحه کاس العذاب و زجره و اشد العقاب حتی عرج الیک و وفد بیاک
بیتک الیک ساجد آمین یدیک رب انزله نزلاً مبارکاً و قدر له کل خیر فی ملکوتک

لا اله الا انت الکریم المقدر الوهاب

ع ع
مصدق

بواسطه جناب آقا میرزا جلال و بناب میرزا ماشم صریح رحمانی جناب حاجی میرزا صادق
جناب میرزا محمد علی جناب میرزا عبدالحسین مخمر جناب میرزا عبدالحسین اردستانی بناب
سید آقا کریم جناب میرزا فتح آقا خان جناب میرزا عبد الله خان جناب غلامحسین میرزا
جناب آقا سید برکات جناب میرزا عطا جناب میرزا عبد الله خان شرف جناب میرزا
محمد خان نایبی جناب استاد ابوالقاسم جناب میرزا جعفر جناب میرزا باقر خان جناب
سید الله جناب سید ماشم جناب آقا سید مادی جناب میرزا عبدالحسین جناب
محمد جواد بناب آقا سید محمد جناب آقا سید اسمعیل خیاط جناب امین الله جناب ضیاء الله
جناب میرزا الله الله جناب آقا محمد مهدی علیم باب الله الهی

اینا المعتبرون اینا المنجذون اینا المستعلون بار محبة الله فیهذا اليوم الممشود الحمد لله
وصون و غایت حضرت احدیت ارض صا د بقیات قدس آباد شد بعد از سکون ب حرکت آمد
و بعد از خمود شعله بر افروخت بهشت برین گشت و جلوه گاه صور عالین اجا هر یک جای
تافتند و اسعیاب ان درشتافتند آبنگ تقدیس مرتفع شد و الوار تو مید لا مع گشت

مطرب الهی با چنگ و دف و نی نغمه‌ای واهی چنان بنواخت که مباحل روحانی را بوجد و طرب
 انداخت نیم ارض ساد مسکبار است و رانحه محبت الله از آن گلشن فشر در این دیار سکر
 کعبه خدا را که در چنین عصری چنین نصیری موفقی و متوید گردیدید حقا که یاران و فائید و سزاوار خدا
 غمغریب چنان ولوله‌ای در آفاق افکند که نور اشراق از قلوب عشاق بدم و ناقوس آفاق فریاد
 یا بیا، الاهی برآرد و کوس شرق و غرب نغمه یار تی الا علی بگوید جهان جهان دیگر گردد و کیهان
 کیهان دیگر شود روی زمین بهشت برین گردد و توده غیر اجنت ابی شود بهر این از
 ملکوت جلیل جلوه نماید و طاوس علقین شهر تقدیس بگشاید امراته مرتفع شود و رایت یا بباء
 الاهی بلند گردد از جمیع آفاق نغمه یا بشری بعبان آسمان رسد و از شرق و غرب بانگ یا طولی خیزد
 و بانگ یفرح المؤمنون و یخزن انخاسرون و یقیض وجوه و تسود وجوه آن هدایتی معلوم
 و وعد غیر کذب و علیکم التحیه و التثناء ع ع ع

اصفهان جناب میرزا امام شمس صر حضرت شیخ بزرگوار علیه بباء الله الاهی

هو الله

۱۶۱

ای ثابت بر پیمان نامه شما وصول یافت و بزرع و قزع از فراق معلوم گردید این نامه
 و همان از جمیع آفاق بلند است ولی عبد البهاء باقلیم یوسف کنعان سفر نموده انشاء الله بعد
 از رجوع

نظارت حضرت

از جرع این آرزو حصول خواهد یافت از خبر الهاب نار محبت الله در انصاف نهایت
روح و روحان حاصل گردید امید وارم که همواره بتائیدات الهیه بشر نفحات رحمتیه و
اعلاء کلمه ربانیه مشغول و مألوف باشد و حلیک الباء، الابی ع ع سر
بخش آباد بواسطه آقا میرزا ماشم محمد جعفر صباغ قنبر علی حاجی اخوند شهید
حاجی عبد الکریم آقا علی حسن حسن محمد آقا علی مشهدی رفا آقا میرزا اولد مشهدی جعفر
آقا میرزا آقا بکم خانم واعظه عیال مرحوم کر بلائی محمد علی ریزی گوهر بکم منصور خانم مریم
سلطان ربابه سلطان خانم کوچک عیال مرحوم آقا محمد حسن شهید

هو الله

۱۶۲

ای یاران روحانی و اما، رحمان این خاکدان فانی جندان نادانرا سزاوار و این گلشن
ظلمانی بطیور ترایر الابق بیل معانیر آشیان گلشن الهی است و مرغان اوج غزت را
و مکان ملکوت رحمانی بچرخدان چون نظر آرایش این عالم فانی نمایند گمان آسایش کنند
و در آرایش افتد منجذب نقل و سایه گردند و از ذی نقل غافل مانند زیر اجهان ناسوت
نقل زائل ملکوتست و عالم ارضی اثری از عالم آسمانی سبحان الله شیفه قطره گردند
و از دریای محیطی بهره شوند و مشتاق ازده گردند و از شمس حقیقت بی نصیب مانند

نکات و مباحث

بحیاه دنیوی بندند و از زندگانی سرمدی بگذرند بآب و گل پرداختند و از جهان جان و دل غافل
مانند و صایا و تعالیم البتیه انسا را از شئون فانیه بیزار کنند و از جهان تار یک و تنگ فرا
دهد و بعالم انوار رساند ملاحظه در جمیع طوائف و ملل و قبائل و دول نمایند که کل مانند
موران در تحت اطباق تراب لانه و آشیانه نمایند و آذوقه لی اندوخته کنند بقتة بارانی
آید و سیلی بر خیزد و خانه و لانه و آشیانه و آذوقه جمیع از میدان برد و محو و نابود کند نیست
مثل اهل دنیا چنانکه واضح و آشکار مشاهده مینمایند ملاحظه در ایران و مجلسیان نمایند که در دست
قلیل چه طوفانی و چه انقلابی ظاهر و عیان شد با وجود این باز خافلان و جاہلان و بخردان
دل باین دنیا بندند و بفکر کم و بیش افتند از اقبال بوجه و طرب آیند و از ادبار محزون و دلخون
شوند الا انهم فی خسران مبین پس عاشقان جمال رحمن و شائقان انوار طلعت یزدان را
لابق و سزاوار چنانست که در جمیع شئون از این خلق ممتاز باشند و محرم راز و نیاز گردند
جمیع کائنات را بطلخه خویش آرند در جهان دیگر پرواز کنند و در عالمی

دیگر سیر و تماشا نمایند آیات الهی گردند و رایات ملا علی

شوند مرغان چنانچه حقیقت گردند و در گلستان حدیث و ایستاده

ابیع اسحاق بن سبیح و تقدیس می توانا پردازند و علیکم السلام، الابی ع ع

۱۴۲
بواسطه جناب آقا میرزا اشم اصفهان جناب میرزا سیح خ جناب رو
جناب علی اکبر جناب عباسقلی جناب میرزا عبدالحسین جناب میرزا علی جناب
میرزا عطاء الله علیه السلام آله الاهی

ای باران من ار خداوند ذوالمنن چنین آرزو نمایم و عجز و زاری کنم و ناله و بهر آرزو نمایم که آن نفوس مبارکه را متوقی بر خدای مبارک نماید و آنچه سبب سرور معنوی و فرج البیت فائز فرماید هر یک را در اقی هستی ساره روشنی کند و هر که امر از این جنت ابی درخت باروری نماید و شکوفه و ثمری بخشد رشحات سیاح غایت اسعد و دریا قلوب را شبنم است و فیض ابدی حضرت احدیت مانند طعمای ویم چون چنین است عاقبت موهبت نور مبین است در آغاز هر چند زحمت و مشقت و آزار است و سها کین از نفوس بی دین در پرواز آما انجام آیام سرور و جبر است بلکه نور علی نور است اگر چنانچه ملاحظه نماید در این اوقات اتق و جود بغامی تاریک پنهان و مستور است یقین بدانید که غمخیز مشرق نورانی از این ابرهای کثیف ظلمانی پاک گردد و چنان صفا و لطافت و روشنائی بنماید که آفاق نورانی گردد پس خزان و کدورت را بکنار نهد و بشارت و بشارت

مونس و اهدم شود و ملکیم اتحیه و اثناء ع ع سید

بقمان بواسطه جناب خان و میرزا امامت منوب حضرت سلمان قمیش میرزا عبدالحیدر خان
میرزا رحمت الله خان میرزا محمود دود کردی شریف آباد جناب سید ابوالقاسم
جناب سید خلیل جناب سید احمد جناب سید محمود جناب سید علی جناب سید مصطفی
جناب سید ابراهیم جناب سید جواد جناب سید عبدالوهاب جناب سید اسد الله
جناب سید میرزا جناب سید نورالدین جناب کربلای مرتضی جناب کربلای عبدالحق
جناب کربلای عبدالحق جناب مشهدی صادق جناب مشهدی عباس حکیم جناب استاد حسین
جناب آقا علی جناب میرزا احمد

سده جناب سید عبدالحق جناب کربلای عبدالوهاب جناب میرزا ابراهیم جناب
جلال آقا جناب امین الله جناب حیدر علی جناب اسماعیل جناب غلامحسین
اما، رحمن شیرین جان فاطمه بکم کوکب بکم خاتون جان ام لیلی فاطمه خانم فاطمه سلطان
سکینه سلطان بکم خانم

هو الله

بجاکم اللهم ایلی انک لتعلم ذلی واقفاری و تری خطرامی و اضطرابی و تسمع خبونی و غیبی
و خبونی

و یحییٰ و نیا حم، انی ابتهل الی صبتک العالیہ و ساقہ قدسک الیامیہ و آندلل نجل ذل
 و انک را الی ملکوت الاسرار و ادعو للابرار لیثو ففتوا علی اخذ تبیین الاصرار و یا ووالی کنت
 صاحبک من الاشرار رب انتم اسراء فی ایدی الایغیاب لیصوبون الیهم سهام الضرب کل استکبار
 و یشرعون علیهم الاستنہ و یللقون علیهم الالعنه و لا یخشون بأساک و لا یخافون نغمک ہوا
 الاوغاد الادخال رب ارحم اجبتک و احفظ صفوتک فی بین ہایتک و معاقل خطاک و کلا
 و افق علی وجوہہم ابواب رحمک و اشرح صدورہم بآیات موتک و انزل علیہم برکۃ من
 عندک انک انت الکریم انک انت العظیم و انک انت الرحمن الرحیم ع ع ع
 ہوا لہ

خونجان لنجان جناب آقا سید مرتضیٰ جناب عباسقلی جناب مشدی حیدر جناب
 آقا سید علی جناب میرزا محمد علی جناب آقا سید ابراہیم جناب آقا سید میرزا جناب میرزا محمد
 جناب عبدالمطلب جناب آقا سید مددی جناب آقا سید مادی علیہم بآء آء الہی
 سده لنجان جناب آقا سید عبد الغنی جناب آقا سید برکات جناب

کریمانی عبد الوہاب جناب میرزا جناب براقلی جناب محمد باقر جناب مشدی اسمعیل جناب
 عبد الرحیم سید بآء آء الہی بکم کردان لنجان جناب آقا محمد مددی جناب آقا سید

جناب آقا مشدی حسن جناب حاجی نوروز جناب حاجی محمد علیم ہباء اللہ الاسبی

رینجیان جناب جواد جناب محمد رحیم جناب درویش عبد اللہ جناب درویش حسین علی

جناب میرزا محمد جناب کر بلائی فتح اللہ علیم ہباء اللہ الاسبی جناب سلطان باقرہ نوس

جناب میرزا عبد المظفر تانچہ جناب آقا حسین علی کرچکانی علیم ہباء اللہ الاسبی

ص جناب ضیاء اللہ جناب میرزا ایت اللہ جناب اوانس عکاسی جناب اوانس

من اہل جلفا جناب آقا سید اسمعیل خیاط جناب میرزا آقا جناب عبد الحسین جناب میرزا

عبد الجواد معلّم علیم ہباء اللہ الاسبی

ہو الاسبی

۱۶۵

ای اجنای الی و یاران عبد البہاء جناب مائتم تحریری با فصاحت تقریر و ابداع تعبیر ارسال نمودند

و چون گوشودم کتاب ابرار بود اسما، اصرار و اخبار در آن مذکور از قرائت آن نہایت روح

و در بیان حاصل گشت زیر نقشہ بود کہ از کتاب علین حکایت میکرد چہ کہ اسما، مقبرین در آن

مستور و در ختام نامہ خواہش نگارش مکاتیب بچند آن یاران الی نمودہ بود مشاغل ذہنیہ و

شواغل عظیمہ و امور متفرقہ و ورود اوراق غیر متناہیہ از شرق و غرب مانع و حایل کہ بہر

یک از یاران منفرد امر قوم گردد لہذا مجبوراً مجتمعاً مرقوم میشود ای یاران روحانی عبد

خطات بہاء

احمد ته کل در ملکوت ابی وساحت کبریا، مذکورید و در انجمن عالم بالا معروف و مشهور و در
 این مستغرق بر فقر و فاقا موجود هر یک از ملکوت غیب نشوری از فیض در قلب و طغرائی از
 موهبت کبری در صدر پر تو عنایت بر سر دارید و خلعت هدایت در بر مورد الطاف بی پایند
 و مضبوط ملائکه رحمت بیکران نظر عنایت شامل است و فیض حضرت احدیت کامل و شگرا
 این نعم حلیله و الطاف خفیه همواره بتربیل آیات توحید پردازید و بابتدع احسان ترانه عاشقانه
 بنوازید و فرماید ششاقانه بر آید از بلا و محن طول نگرید و از شامت اغیار انگبار نشوید
 زیرا در سبیل محبت جمال ابی بلاء رحمت کبری است و جناب موهبت عظمی تالان و تاراج
 نالج و خراج است و زندان و زنجیر ایوان و سیر فلک آیر سهم و سنان بر هم دل و جان
 و تنم قائل در یاق و درمان عاشق مجازی گفته هیچ صبر خفته یا خندان نیافت هیچ شامم با سرو
 سامان نیافت گردد آتش رفت باید چون خلیل و رچه بچی میکنی خونم سبیل و رچه یوسف چاه
 زندانم کنی و زرقم عیسی بریم کنی سرگردانم نگر دم از تو من به فرمان تو دارم جان و سر
 این صفت عاشقان و سمت مشتاقان است باری امید از فیض الهی و موهبت ربانیه چنان است
 که از شدائد بلیاء و اعظم رزایا، نارحبه اند در قلوب افروخته تر گردد و انوار حقیقت روشن تر
 شود چنان جلوه دهد و فای روحانیاں شود و هر یک جان و دل بکف گیریم و نثار راه یازیم

بواسطه آقا میرزا ماشم حسین خان حسن خان مدیحان میرزا امین الله آقا کمال نعمت الله
جیب الله عطا خان میرزا ابوالفضل اطفال جناب ماشم علیهم بقاء الله الاهی

هوا الله

۱۶۷

ای تلامیذ دبستان حمد خدا را که در امتحان حسن استعداد و قابلیت ظاهر و عیان نمودید
اطفال بیائی باید در تحصیل علوم و فنون از سایر اطفال ممتاز باشند زیرا مشمول نظر غایتند آنچه
اطفال دیگر در مدت یکسال تحصیل نمایند تازه نهالان جنت عرفان کو دکان بیائی باید در مدت یکسال
تحصیل کنند آرزوی دل و جان عبدالبهای مهربان این است که نور سیدگان بیائی هر یک
در علم و عرفان شیر آفاق گردند و البته نهایت همت و سعی و غیرت در تحصیل علوم و فنون نمایند

نمود و علیکم البقاء الاهی ع ع س بده

اصفهان جناب آقا میرزا ماشم علیهم بقاء الله الاهی

هوا الله

۱۶۸

ای یادگار پاک الهی نزد من بسیار مقرب آئی فراموش نشوی و همچنین جمیع بستگان
حضرت سلمان در حق شما ادا عنائیم و غایت طلبیم و امیدم چنانست که اندک و نفعی حاصل
گردد البته بیچوجه تصور نشود و علیک البقاء الاهی عبدالبهای عباس
منابده

خط کاتب انصاری در مهاباد

خط کاتب انصاری در مهاباد